

نقش دانشگاه اسلامی در توسعه تفکر خلاق دانشجویان

هاشم محسنی زنوزی^۱

محسن کشاورز^۲

چکیده

در آستانه هزاره سوم میلادی، فرایند تغییر و تحول مستمر و پرشتاب، از عمده‌ترین جریانهای حاکم بر حیات بشری و از مهم‌ترین مشخصات بارز آن به شمار می‌رود؛ تا آنجا که عنصر پیچیدگی به عنوان بارزترین ویژگی جهان امروز، جایگاه خود را روز به روز مستحکم‌تر می‌کند. در این میان، تفکر خلاق و لزوم نوآوری که اساس و بستر ساز تغییر، تحول و دگرگونی است، نقش بنیادین و تعیین‌کننده‌ای دارد. لذا برای رویارویی با این شرایط پیچیده و نیز موقعیتها و فرصتهای ایجاد شده، نیازمند تقویت روح خلاقیت و نوآوری در بین دانشجویان کشور می‌باشیم. فرایند توسعه علمی به عنوان زیربنایی برای توسعه در سایر بخشها، نیازمند وجود بستری مناسب است و در این رابطه، تقویت تفکر خلاق می‌تواند از طریق تولید ایده‌های خام، چرخ تولید علم را به حرکت درآورد. مقاله حاضر در راستای توجه به پرورش و شکوفایی استعدادها، تشویق ایده‌های خلاق و نوآوری در کشور و با هدف بررسی چالشها و موانع فراروی بسط خلاقیت و نوآوری در جریان برنامه‌ها و چشم‌اندازهای توسعه کشور، به توصیف تفکر خلاق و نقش دانشگاه اسلامی در توسعه تفکر خلاق به عنوان بستری مناسب در زمینه ایجاد توسعه علمی در کشور پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که نوآوری و خلاقیت در دانشگاه از اهمیت والایی برخوردار است و یکی از اهداف مهم دانشگاه می‌باشد که دانشگاه اسلامی جهت تحقق آن، باید در زمینه اشاعه، نشر دانش و انتقال آن به جامعه و نسل جوان، بیش از پیش تلاش و کوشش کند. در واقع، چالش مهم دانشگاههای اسلامی ایران در این زمان، کسب و ارتقای هویت علمی و فرهنگی با توسعه استقلال سازمانی و آزادی علمی به منظور افزایش بهره‌وری و تحقق رسالتهای دانشگاه، افزایش اثربخشی اجتماعی است.

واژگان کلیدی: دانشگاه اسلامی، نوآوری، توسعه علمی، تفکر خلاق.

*تاریخ دریافت: ۸۸/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۰۵/۰۳

۱. دکتری تکنولوژی آموزشی، استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

Email: hashem.mohseni@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): آدرس: تربت حیدریه، بلوار مدرس،

مدرس ۲۳، پلاک ۱۰، نمابر: ۲۲۴۹۰۶۸ / Email: keshavarz_mohsen@yahoo.com

مقدمه

بی‌شک نوآوری و خلاقیت در حیات فردی و اجتماعی انسان، جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد؛ چنان که تمام دستاوردها و تمدن بشری از آغاز تاکنون و نیز در آینده، محصول و رهاورد خلاقیت است. تاریخ علوم و فنون، به واقع تاریخ خلاقیت انسان است که با نگرشی بر سیر پرفراز و نشیب تحول و رشد و توسعه آن، نهایت اهمیت این موضوع به وضوح مشخص می‌شود. در عصر امروز، اهمیت فوق‌العاده و ضرورت حیاتی خلاقیت به طور فزاینده و شتابانی در حال افزایش است و تمامی ابعاد و جنبه‌های زندگی انسان را به طور کامل در سیطره خود دارد. نوآوری و خلاقیت‌های علمی، فنی، صنعتی، هنری، سازمانی، اجتماعی و بسیاری از دیگر زمینه‌های گسترده خلاقیت، از ارکان زندگی مادی و معنوی انسان و رمز استمرار، رشد و شکوفایی و تعالی اوست. از این رو، «فناوری خلاقیت» به مثابه یک فناوری - نرم‌افزاری حیاتی و راهبردی، شناخته و به آن توجه بسیار زیادی شده است. جامعه انسانی برای حرکت رو به آینده خود و حل انبوه مسائل و مشکلات دائمی خویش، دیدگان خود را به فناوری خلاقیت معطوف کرده است. فناوری خلاقیت و نوآوری، دستاورد جمعی پژوهشها و تجربه‌های دانشمندان و صاحب‌نظران مختلف در حوزه‌های علمی گوناگون نظیر علوم انسانی، فنی و مهندسی و علوم تجربی و دیگر شاخه‌های علمی است و به منزله یک زمینه علمی تخصصی - کاربردی، در برگیرنده مجموعه اصول، مبانی، روشها و فنون برای رشد و توسعه فرایندهای خلاقیت است. (گلستان هاشمی، ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۵۷)

شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر، نیاز به استفاده از خلاقیت تا بدین حد احساس نشده باشد. در نظامهای مدیریت نوین امروزی، از خلاقیت نه تنها به عنوان رمز موفقیت سازمانها، بلکه به مثابه شرط بقای آنها یاد می‌شود و تأکید بر این موضوع تا حدی است که در مغرب‌زمین، عدم وجود خلاقیت در یک سازمان را مصادف با مرگ آن سازمان به حساب می‌آورند.

ما هم اکنون در آستانه عصر شتابندگی تاریخ هستیم و تحولات در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، بسیار سریع و فزاینده است. در این تحولات، علم و فناوری و توسعه انسانی بیش از هر زمانی هویت یافته است. علم و نوآوری مبتنی بر دانش، بسیار بیشتر از منابع فیزیکی، پایه و اساس فناوری آینده را تشکیل خواهد داد؛ مشروط بر آنکه در جهت توسعه سرمایه انسانی و بهره‌گیری از آن اقدام شود. در واقع؛ علم، سرشتی پویا و خلاق دارد و هر روز از طریق استمرار و تراکم، با انقلاب شناختی دنیای جدیدی را کشف و ابزارهای نوینی را خلق می‌کند. از سوی دیگر، نیاز اساسی توسعه علم، شکل‌گیری جامعه علمی است که فضای هنجاری آن، این توانایی را منتقل کند که اعضای آن در عین احساس تعلق جامعه علمی، خلاقیت‌های خود را بروز داده

و توسعه علمی را میسر سازند. لذا به کارگیری روشهای آموزش نوین و مبتنی بر افزایش زمینه‌های تفکر خلاق، از ضروریات نظام آموزشی هر کشوری محسوب می‌شود. (صمدآقایی، ۱۳۸۳، صص ۲۰۴-۲۰۵)

بیان مسئله

امروزه سازمانها و بنگاههای اقتصادی کوچک و بزرگ در کشورهای صنعتی، بدون خلاقیت مستمر، سریع و به موقع، محکوم به فنا هستند. مدیران در دنیای امروزی می‌بایست قطعات پازلی را کامل کنند که در آن هیچ ترتیب منظمی - که از قبل قابل پیش‌بینی باشد - صدق نمی‌کند. مسلماً داشتن کارکنان خلاق در این سازمانها نه تنها رمز موفقیت، بلکه شرط بقای آنها به شمار می‌رود.

سازمانها در برهه‌ای از زمان که تحت عناوین مختلف از جمله: عصر دانش، عصر فراصنعتی، عصر جامعه اطلاعاتی، عصر سرعت و بالاخره عصر خلاقیت و نوآوری مطرح شده است، خود را در جهت مدیریت تغییرات شتابان و دگرگونی‌های ژرف جهانی آماده می‌سازند؛ به گونه‌ای که خلاقیت و نوآوری به عنوان اصلی اساسی از عوامل مهم بقای سازمانها و شرکتهای جوان پذیرفته شده است. بر اساس این استدلال، کشورهای پیشرفته بر آموزش خلاقیت تأکید بسیار کرده و در این راستا، در انتخاب افراد خلاق، نوآور و آینده‌نگر، که رهیافتهای بدیع و خلاق برای مسائل پیچیده ارائه کنند، توجه خاص مبذول داشته‌اند.

سازمانهای خلاق، خصوصیات ویژه‌ای را دارا هستند. مهم‌ترین ویژگی این سازمانها، انعطاف‌پذیری آنها در رویارویی با بحرانهاست. یکی از دلایل معرفی نظریه اقتضایی مدیریت، بر این موضوع تأکید دارد. سازمانهای انعطاف‌پذیر با مسائل و تنگناها برخورد منطقی و محققانه داشته، در صورت نیاز به تغییر و تحول، پس از بررسی دقیق و عالمانه، آن را اعمال می‌کنند. ساختار خلاق، نمایانگر روابط واحدهای آن و نشان‌دهنده میزان انعطاف‌پذیری آن است. سازمانهایی که دارای ساختار غیرقابل انعطاف باشند، برای ایجاد همکاری و وحدت در دوران بحران، دچار آشفتگی می‌شوند. آری؛ اگر به دقت به صدای نبض بازار گوش دهیم ضرورت خلاقیت را به عنوان یک حکم دیکته شده به وضوح می‌شنویم. متأسفانه با وجود چنین ضرورتی، هنوز به طور رسمی حتی یک واحد درسی در مدارس و دانشگاههای کشور با این موضوع تدریس نمی‌شود. این در حالی است که همان آموزشهای دیگری هم که در این مؤسسات ارائه می‌شود به گونه‌ای است که بدون تعمد، باعث از بین رفتن قوه خلاق فراگیرنده می‌شود. نتیجه آنکه، دانش‌آموختگان با همه تخصصی که در دوران تحصیل خود فرا می‌گیرند، قادر نیستند در بازار کار و رقابت، حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشند. آنچه مسلم است در فرایند تولید علم و ایجاد توسعه علمی، اهمیت رکن «منابع انسانی» بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که انسان هم به عنوان

وسیله و هم به عنوان هدف، اصلی‌ترین نرم‌افزار این حرکت (جنبش تولید علم) به حساب آمده و در این میان، خلاقیت و نوآوری می‌تواند در نقش یک تسهیل‌گر، بستری را فراهم سازد تا نهال «تولید علم» قادر باشد بر روی آن رشد کند. (صمدآقایی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۰)

دانشگاه نهادی است که نقش مهمی را در نوآوری و خلاقیت در هر جامعه ایفا می‌کند. استفاده از فناوری‌های جدید برای بالا بردن سرعت، دقت و کارآمدی آموزش و پژوهش و تسهیل ارتباطات علمی، باتوجه به مقتضیات و نیازهای جامعه امروزی، از اهداف مهم دانشگاه است. دانشگاه اسلامی مرکزی است که در درجه اول، مرکز پژوهش، اندیشه و علم و مرکز تضارب آرا و افکار باشد. دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن تقویت و باروری دانش، همراه است با به کارگیری نگرش اسلامی درباره محتوای آن و تلاش در جهت تقویت و باروری دانش در زمینه‌های متفاوت. دانشگاه اسلامی، فضایی است که در آن دانشمندان اسلامی با اتخاذ خلاقیت و نوآوری، به منظور شناخت بهتر عالم اقدام به تحقیق علمی می‌کنند.

بنابر این، پرسش اصلی که این تحقیق در پی پاسخگویی به آن می‌باشد، عبارت است از اینکه نقش نوآوری و خلاقیت در توسعه علمی کشور چگونه قابل تبیین و تحلیل می‌باشد و نیز نقش دانشگاه اسلامی به عنوان یکی از عوامل و راهکارهای مؤثر در بسط خلاقیت و نوآوری در دانشجویان و توسعه علمی کشور چیست؟

ادبیات نظری تحقیق

خلاقیت - تعاریف و مفاهیم

خلاقیت از واژه‌هایی است که مورد توجه روان‌شناسان، فلاسفه، دانشمندان علوم اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و ... قرار دارد؛ لذا تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. در فرهنگ لغت عمید، ابداع یا آفرینش به معنای چیزی نو آوردن یا کاری تازه کردن آمده است. در فرهنگ لغت آکسفورد، خلاقیت به عنوان قدرت آفرینندگی تعریف شده است؛ که این قدرت، منوط به هوش و توانایی تخیل است و سرانجام اینکه در فرهنگ لغت روان‌شناسی، خلاقیت یک فرایند روانی فرض شده است. در این تعریف، خلاقیت به حل کردن، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، اشکال هنری، نظریه‌ها یا تولیداتی منجر می‌شود که یگانه بوده و بدیع هستند. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳)

به لحاظ مفهوم، با گذشت سالها مطالعه و تحقیق درباره خلاقیت، هنوز روان‌شناسان و متخصصان آموزش و پرورش نتوانسته‌اند تعریف جامعی از خلاقیت به دست آورند که مورد قبول اکثر دست‌اندرکاران باشد. با وجود این، تعاریف متعددی از خلاقیت ذکر شده که در ذیل به چند مورد آنها اشاره می‌کنیم:

«آبراهام مازلو» در توصیف خلاقیت گفته است: این صفت، یک ویژگی اساسی سرشت عادی انسان است؛ توانایی بالقوه‌ای که در بدو تولد به همه انسانها داده شده است و اکثر انسانها این خصیصه را در طول دوران فرهنگ‌پذیری خود از دست می‌دهند. اما عده کمی از افراد، ظاهراً این شیوه تازه را حفظ می‌کنند یا اگر آن را همچون اکثر مردم از دست داده باشند، بعدها در طول زندگی آن را باز می‌یابند. (منطقی، ۱۳۸۰، صص ۹۵-۹۴)

«ورنون» خلاقیت را این گونه تعریف می‌کند: توانایی شخص در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیایی جدید و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌ها که به وسیله متخصصان به عنوان پدیده‌ای ابتکاری شناخته شود و از لحاظ علمی، زیباشناسی، تکنولوژیکی و اجتماعی با ارزش قلمداد گردد. (Vernon, 2002, P.93-103)

در نهایت اینکه «گیلفورد» نیز خلاقیت را نوعی توانایی فکری دانسته است و تفکر خلاق را که منجر به خلاقیت می‌شود، یکی از انواع تفکر واگرا می‌داند. (Guilford & Christensen, 1996, P.247-252)

نظامهای آموزشی کشورهای پیشرفته سالهاست که سیاستهای آموزشی مبتنی بر تفکر همگرا (متکی بر محفوظات صرف و دروس نظری) را کنار گذاشته و به رویکرد آموزشی تفکر واگرا یا خلاق پرداخته‌اند. بنابر این، شایسته است که امکان رشد و شکوفایی استعداد فراگیران به صورت همه‌جانبه از طریق تفکر خلاق در تمامی نظامهای آموزشی کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورمان (آموزش و پرورش، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی) فراهم گردد. (پورسعید، ۱۳۸۰، صص ۱۱۹-۱۱۷)

در سالهای گذشته عقیده بر این بود که خلاقیت، یک موهبت الهی است که تنها در اختیار عده‌ای محدود از انسانها قرار دارد و دیگران از آن بی‌بهره‌اند. همین افراد خاص که دارای خلاقیت هستند، در شرایط مختلف آن را از خود بروز می‌دهند و همین افراد هستند که به اختراع و اکتشاف نایل می‌شوند. ولی امروزه دانشمندان و متخصصان تعلیم و تربیت به این نکته پی برده‌اند که خلاقیت، خصیصه‌ای نیست که تنها در اختیار معدودی از افراد قرار گرفته باشد، بلکه همه انسانها از خلاقیت بهره‌مند هستند، ولی امکان بروز و میزان رشد آن در افراد، متفاوت است. بنابر این، می‌توان خلاقیت را در همه افراد پرورش داد و به رشد و شکوفایی آن در انسانها کمک کرد. (آرمند، ۱۳۷۳، ص ۱۱۵)

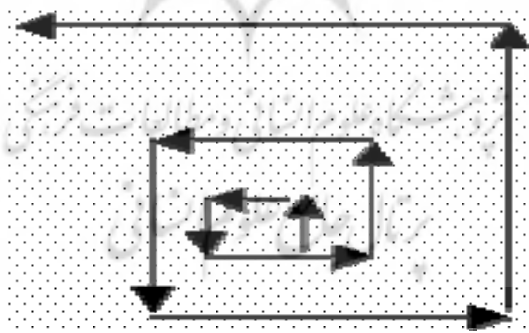
نظریه‌ها

بررسی خصوصیات افراد خلاق و نوآور از بعد ذهنی این گونه می‌نماید که آنان به دنبال کنجکاوای شدید همراه با بینش تجربی، تأکید فراوانی بر آزادی فکر و انعطاف‌پذیری دارند و

ضمن تمرکز بر ایده‌های بدیع و غیرعادی، توجه به جزئیات را مد نظر قرار می‌دهند. از این رو، با وجود تئوری‌ها و نظریات بسیاری که در این عرصه ارائه شده است، به نظر می‌آید چارچوب فکری گیلفورد در رابطه با تفکر واگرا، انعکاس بسیار خوبی از خصوصیات ذکر شده را به نمایش گذاشته است. گیلفورد و همکارانش مصمم بودند تا فرضیه خود را راجع به اینکه مهم‌ترین عامل در هوش، قابلیت تفکر خلاق است، ثابت کنند. آنها از هوش، الگویی سه بعدی به نام «ساختمان استعداد» ارائه کردند و اعتقاد داشتند ۱۲۰ عامل هوشی است که می‌بایست همگی اندازه‌گیری شوند و آنچه تا کنون اندازه‌گیری می‌شده، استعداد همگرا بوده نه استعداد واگرا.

گیلفورد برای خلاقیت و نوآوری، بیشتر به تفکر واگرا اهمیت می‌دهد. وی اظهار می‌دارد که بین تفکر همگرا و واگرا خصوصیات مشترکی نظیر اطلاعات قبلی وجود دارد و تفاوت بارز آنها موقع حل مسئله ظاهر می‌شود. تفکر همگرا در جهت یک راه‌حل صحیح که به وسیله وقایع تعیین شده است، هدایت می‌شود؛ ولی تفکر واگرا که مترادف با تفکر خلاق می‌باشد، تفکری است که در جهات مختلف سوق پیدا می‌کند.

چنین طرز تفکری، کمتر به حقایق محدود می‌شود و تغییر جهت را در حل مسئله مجاز دانسته، در پی راه‌حلهای متفاوت است. بنابر این، نظر کسی دارای تفکر واگراست که بتواند با سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و توضیح بیشتر و مطلوب‌تر فکر کند. (Guilford & Christensen, 1996, P.247-252)



شکل ۱: جهت‌گیری فکری در تفکر واگرا و نوآور

منبع: گیلفورد، ۱۹۹۶

در تکمیل این نظریه، امروزه تفکر خلاق و نوآور را معجونی از تفکرهای واگرا، کل‌نگر، انتقادی و اجرایی می‌دانند که پروفیسور «ادوارد دو بونو»^۱ آن را تحت عنوان تفکر جانبی معرفی کرده است. این نوع تفکر در مقابل تفکر عمودی (منطقی) قرار می‌گیرد. البته در برخورد با مسائل،

1 . Edward De Bono

تلفیقی از دو رویکرد می‌تواند بهترین نتیجه را به همراه داشته باشد؛ به شرط آنکه بدانیم در هر مرحله، استفاده از کدام یک راهگشا تر است. (صمدآقایی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵)

تفکر خلاق و نوآوری

از ویژگی‌های بارز انسان و محور حیات او، قدرت اندیشه و عالی‌ترین و پیچیده‌ترین جلوه اندیشه انسان، تفکر خلاق و نوآوری است. هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده، اما ظهورش مستلزم پرورش آن است. «تورنس» معتقد است که انسان برای بقا، به توسعه قدرت خلاق و استفاده صحیح از آن نیاز دارد. در واقع خلاقیت و نوآوری بشر، مهم‌ترین سلاح اوست. بنابر این، بقا و رشد هر جامعه‌ای به میزان توجهی که برای ظهور و گسترش این توانایی به عمل می‌آورد و همچنین تعلیم و تربیت افراد مستعد و خلاق که ارزشمندترین گنجینه‌های منابع انسانی هستند، بستگی دارد. (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰)

به اعتقاد اندیشمندان عرصه روان‌شناسی، تفکر خلاق و نوآور از نوع تفکر واگراست. این نوع تفکر، بر خلاف تفکر همگرا، منجر به تولید ایده‌های متعدد و متنوعی شده و در بطن خود مقوله‌هایی نظیر آزادی و روانی فکر، انعطاف‌پذیری و همچنین ابتکار در عمل را شامل می‌شود. (Guilford & Christensen, 1996, P.247-252)

«ادوارد دوبونو» فعالیتهای گسترده‌ای در زمینه تفکر خلاق داشته است. او به خصوص به مطالعه درباره تفکر جانبی که آن را از تفکر خلاق متمایز می‌سازد، پرداخته است. از نظر وی، تفکر جانبی به بصیرت، خلاقیت و طنز شباهت دارد، با این تفاوت که فرایندی توأم با قصد و درنگ بیشتر است. در تفکر جانبی، اندیشه‌های تازه تولید می‌شوند. توجه اصلی در این نوع تفکر «شکستن زندان مفهومی اندیشه‌های کهنه» و نظر انداختن به امور به طریقی نو است.

به اعتقاد دوبونو، تفکر جانبی و تفکر عمودی مکمل یگدیگر هستند، اما وی از این جهت نگران است که آموزش و پرورش، بیش از اندازه به تفکر عمودی پرداخته است. دوبونو روشهای گوناگونی را توصیه می‌کند که به تفکر جانبی و خلاق منتهی می‌شود و می‌توان آن را در کلاس به کار برد. یکی از این فنون، تولید یا خلق بدیلهاست؛ یعنی دانش آموز را وادار کنیم تا حداکثر راه حل‌های ممکن را برای یک مسئله خلق کند. (مهر محمدی، ۱۳۸۶، صص ۱۸۶-۱۸۴)

مطابق شکل ۲، این نوع تفکر قادر است از طریق ایجاد بستری مناسب، روحیه کارآفرینی و نوآوری را در افراد تقویت کرده، تا آنان بتوانند در محیطی آرام و با فراغت خیال، به تولید

ایده‌های خام^۱ پردازند. این ایده‌های متنوع و متعدد می‌توانند در طی فرایندی، ساماندهی شده و پس از پردازش‌های نهایی، منجر به تولید دانش^۲ شوند.



شکل ۲: خلاقیت و نوآوری، بستری مناسب در راستای توسعه علمی

متأسفانه نظام‌های آموزشی در کشور ما هیچ گاه سعی نکردند با ایجاد این شیوه تفکر، راه را بر تولید این گونه ایده‌ها هموار سازند. این در حالی است که جامعه رو به رشد ما بیش از پیش به وجود افراد خلاق و مبتکر و آزاداندیش نیازمند است؛ چرا که شناخت و پرورش توانایی‌های بالقوه این افراد موجب باروری چرخهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور می‌شود. (همان، ص ۱۷۹)

جایگاه، اهمیت و نقش دانشگاه در افزایش نوآوری و خلاقیت دانشجویان

آموزش عالی امروز با تعاریف و کاربردهای متعددی که برای آن شده، از اهمیت خاصی در هر کشوری برخوردار است. در حقیقت؛ آموزش عالی بستری است برای تربیت مدیران و رهبران فردا و هر چه فرهیختگان جامعه در تدبیر و برنامه‌ریزی برای این مقطع بسیار حساس دل بسوزانند، اندک است. مهم‌ترین کار آموزش عالی شاید به گفته فیلسوف انگلیسی وایت هد، «آموزش و انتقال فرهنگ جدید به طالبان آن و تحقیق و نوآوری در عرصه‌های علمی» باشد. این دو ویژگی است که این نوع آموزش را از آموزشهای مقاطع دیگر ممتاز می‌کند. یکی از آفتهایی که امروزه دانشگاه و حوزه را تهدید می‌کند، کم‌رنگ شدن روحیه خلاقیت، نوآوری و پژوهش جدی است (تورنس، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱). پس لازم است دانشگاه اسلامی در این جهت بیش از پیش فعالیت کند و به تربیت نیروی انسانی متخصص و تولید اندیشه و نوآوری پردازد.

ایجاد خلاقیت که یکی از اهداف تمام نظام‌های آموزشی است، بدون شناخت و کسب دانش و

1. Data

2. Knowledge

هنر گذشتگان، امری محال به نظر می‌رسد. «اوک شات» در این زمینه می‌گوید: نظام آموزشی باید به نحوی باشد که مردم بتوانند خود را در آینه میراثشان ببینند (Zibakalalam, 1993, P.237). فیلسوفان تعلیم و تربیت لیبرال معتقدند که خلاقیت در خلأ نمی‌تواند روی دهد، بلکه با الهام از بهترین آثار گذشتگان که از بوتۀ زمان، سرفراز بیرون آمده‌اند ممکن است. «آرنولد» ریشه معضلات بشری را در اشاعۀ روحیۀ مادی‌گرایی و بهره‌وری از نظام آموزشی به منزلهٔ ابزاری برای پیشبرد سود ناشی از صنعت می‌یابد و این درد را هرج و مرج می‌نامد. او چون فرهنگ را تنها وسیلهٔ جلوگیری از اغتشاش می‌داند، برای اهل دانش و ادب، وظیفهٔ بسیار خطیری قابل است؛ زیرا دنیای جدید را به طور فزاینده‌ای به سوی مکانیکی شدن می‌بیند. (Arnold, 1932, P.201-210)

بنابر این، نوآوری و خلاقیت در دانشگاه از اهمیت والایی برخوردار است و یکی از اهداف مهم دانشگاه می‌باشد. لذا جهت تحقق این هدف، دانشگاه باید در زمینهٔ اشاعه، نشر دانش و انتقال آن به جامعه و نسلهای جوان، بیش از پیش تلاش و کوشش کند.

تبیین نقش دانشگاه اسلامی در افزایش تفکر خلاق دانشجویان

هدفهای آموزش عالی شامل حفظ سنتهای علمی یا آکادمیک، تربیت متخصصان، تربیت عمومی، توسعهٔ میراث فرهنگی، تأسیس مراکز تحقیق و حل مسائل جامعه و اهداف دانشگاه اسلامی شامل قرب الهی، ملکات علمی و فضایل اخلاقی، اجتماعی شدن انسان، سازگاری انسان با محیط، سعادت فردی و اجتماعی، تربیت انسانهای نقاد و متفکر، تولید دانش، تربیت متخصصان، گسترش مرزهای دانش، توسعهٔ میراث فرهنگی، حل مسائل جامعه و حفظ سنتهای فرهنگی است.

در دانشگاه اسلامی باید نوآوری و خلاقیت در همهٔ زمینه‌ها از جمله: تولید و اشاعۀ علم و دانش، تربیت نیروهای متخصص، حل مسائل جامعه و توسعهٔ میراث فرهنگی، وجود داشته باشد. در دانشگاه اسلامی، نوآوری و خلاقیت باید در دانشجو، استاد، برنامه‌ها، کتابهای درسی، فضاهای آموزشی، وسایل کمک آموزشی و به طور کلی در همهٔ ابعاد تربیتی و فرهنگی اسلامی وجود داشته باشد تا اهداف دانشگاه اسلامی تحقق یابد. (شریعتمداری، بی‌تا، صص ۱۵-۵)

بنابر این، دانشگاه اسلامی با ایجاد خلاقیت و نوآوری در عرصه‌های مختلف می‌تواند بر بسیاری از بحرانهای پیش روی نظامهای آموزشی غلبه و بسیاری از معضلات گریبان‌گیر بشری را حل کند. دانشگاه اسلامی امروزه با تولید علم و دانش بدون نگرش سودگرایانه به آن می‌تواند در احیای روحیۀ پژوهش و خلاقیت که در سالهای قبل دانشمندان کشور عزیزمان از آن بهره می‌جستند، نقش حیاتی و مهم ایفا کند.

دانشگاه اسلامی به عنوان نهادی مدرن، منشأ تغییر و تغییرپذیری است و تحولات جامعه در آن انعکاس می‌یابد. همچنین جهت حفظ هویت تاریخی، لازم است تا هر نسلی بتواند گذشته خود را بازآفرینی کند و هرگز با سنتهای قدیم و گذشته بیگانه نشود و از وجوه مثبت آنها همراه با دستاوردهای مثبت دنیای جدید، ترکیبی منطقی ایجاد کند که در این زمینه نیاز به نوآوری و خلاقیت است و دانشگاه اسلامی می‌تواند در این خصوص، نقش بسیار مهمی ایفا کند.

جهت توسعه خلاقیت و نوآوری در دانشگاه اسلامی و مراکز تحقیقاتی وابسته به آن، باید بسترهای لازم فراهم شود. با بخشنامه و صدور اطلاعیه نمی‌توان در یک مرکز تحقیقاتی، خلاقیت و نوآوری ایجاد کرد یا افراد را واردار به ارائه نظریات جدید و خلاقانه نمود. این فرایند، نیازمند وجود فرهنگ تفکر و اندیشه، آزاد اندیشی و مهم‌تر از همه، وجود نظام نوآوری و خلاقیت، مدیریت خلاقانه و سازمان حمایت‌گر از اندیشه‌ها و خلاقیتهاست.

بنابراین، توسعه نظام خلاقیت و نوآوری در دانشگاه اسلامی، نیازمند وجود نظام نوآوری، استادان و دانشجویان خلاق و برنامه حمایتی از ایده‌ها و نظرات خلاقانه و نوآورانه است. تشکیل اتاقهای فکر، کارگاههای خلاقیت و نوآوری، آموزش روشهای مهارت و خلاقیت و روشهای پرورش ایده‌های جدید و خلاقانه و الزامات خلاقیت و نوآوری، از جمله راهکارهای توسعه این فرایند در دانشگاه اسلامی است.

راهکارهای مؤثر جهت افزایش نوآوری و تفکر خلاق در دانشگاه اسلامی

راهکارهایی که در نوآوری و خلاقیت مؤثرند و دانشگاه اسلامی باید با اجرای آنها موجب نوآوری و شکوفایی و افزایش تفکر خلاق در دانشجویان شود، عبارتند از:

- روابط میان مدیران و استادان در جهت حمایت و بهره‌گیری از خلاقتهای علمی استادان بهبود یابد.
- به رقابتهای علمی در سطح دانشگاه و بین گروههای آموزشی دامن زده شود.
- مقررات و آیین‌نامه‌های دانشگاهها، خلاقیت‌ورزی علمی را تسهیل کند.
- در دانشگاهها، مرکزی برای شناسایی افراد خلاق و نوآور دایر شود.
- دانشگاهها به آخرین فناوریهای علمی و مطالعاتی مجهز شوند.
- پرورش خلاقیت در بطن تمامی واحدهای درسی لحاظ شود.
- به استادان خلاق و نوآور حق انتخاب آموزشی و تحقیق داده شود.
- خلاقیت‌ورزی در حوزه‌های تخصصی به عنوان یک امتیاز و انتظار تلقی شود.

- دانشگاهها از شکل سنتی مصرف کننده علم به تولید علم تغییر جهت دهند.
- ترویج علوم مبتنی بر تفکر الهی، کتاب مبین و تعالیم انبیا و اولیای الهی و تحقیق و توسعه علمی همانند انسان‌شناسی اسلامی، مدیریت اسلامی، سیاست اسلامی، اقتصاد اسلامی.
- اصلاح ساختاری مراکز آموزشی و دانشگاهی امروزی و تدوین راهبرد مشخص به منظور رواج تحقیق، پژوهش و آموزش اسلامی به جای علوم قدیم و جدید و در یک کلمه، ارائه تعریف مشخص از ساختار دانشگاه اسلامی.
- تأسیس و راه‌اندازی انجمنها و تشکلهای علمی در ابعاد مختلف همچون: اقتصاد اسلامی، فلسفه علم، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تمدن اسلامی، مدیریت تحول فرهنگی، تعلیم و تربیت اسلامی، مدیریت اسلامی و جامعه‌شناسی اسلامی، به منظور انسجام‌بخشی اندیشمندان اسلامی به جهت جهاد علمی.
- تأسیس کانونهای تفکر انقلاب اسلامی در ابعاد فکری، فلسفی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بهره‌گیری از متفکران ایرانی و اسلامی در راستای تقویت و گسترش الگوی حکومت اسلامی و جدایی‌ناپذیری دین از سیاست.
- ایجاد زمینه‌های اشتغال تخصصی و جذب نیروهای تحصیل‌کرده و نخبگان و دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی از طریق واحدهای تحقیق و توسعه، مراکز خدمات مهندسی و جذب آنها به صورت اعضای هیئت علمی به منظور جلوگیری از فرار مغزها.
- تدوین الگوی توسعه انسانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با توجه به ارزشهای حاکم بر انسانها و تعالی جوامع توحیدی، اعتلای فطریات به همراه تحقق عدالت اجتماعی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری‌های بشری به منظور گسترش فرهنگ و ارزشهای اسلامی در سطح دنیا و دستیابی به خودکفایی و خوداتکایی در همه زمینه‌ها و ترسیم دورنمای تمدن اسلامی در عصر حاضر در راستای تحقق حکومت صالحین یا همان مدینه فاضله.
- هدایت و پشتیبانی مالی از تشکلهای و نیروهای متعهد و متخصص برای انجام فعالیتهای علمی و پژوهشی.
- طراحی، سازماندهی، اعتلای فرهنگ و تخصیص منابع مالی برای گسترش بخش تحقیقات کشور جهت تدوین طرحهای کاربردی و قابل اجرا در صنعت و مراکز سیاستگذاری.
- تدوین نظام یکپارچه آموزشی - پژوهشی با بهره‌گیری از نظرات استادان و مدرسان محقق و علمی در ساختار آموزشی کشور به منظور جلوگیری از فعالیتهای غیر اثربخش و تکراری. (دفتر جنبش نرم‌افزاری پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)

نتیجه گیری

از آنجا که خلاقیت، امری توسعه‌پذیر و قابل پرورش است، یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش و پرورش، رشد تفکر خلاق می‌باشد. اما در نظام آموزش و پرورش، موانع مختلفی وجود دارد که هر کدام سهم زیادی در عدم پرورش خلاقیت دارند. دانش‌آموزان در بدو ورود به مدرسه درمی‌یابند که حق هیچ‌گونه اظهار نظری ندارند و باید اقتدار معلم را بپذیرند. اطاعت کورکورانه از قوانین آموزش، استفاده از چارچوب معین و دستورالعمل‌های کنترل شده در امر یادگیری، فرصت آزادی عمل را از آنها سلب می‌کند و بدین ترتیب، دانش‌آموزان هرگز جرئت ابراز نظر ندارند و برای اعمال نظریات خویش، احساس امنیت نمی‌کنند. شیوه مبتنی بر رقابت که در اغلب کلاسهای ما حاکم است، با توجه به آنکه مبتنی بر ارزیابی و مقایسه است، به رغم انتظار، معمولاً نتایج منفی به بار می‌آورد. مقایسه دانش‌آموزانی که هر کدام از توانایی و استعدادها خاص خویش برخوردارند، آنها را دچار نگرانی و احساس ناامنی می‌کند که این امر از موانع اساسی در رشد خلاقیت اشخاص است. شیوه‌های رسمی و سنتی آموزشی که در کلاسهای ما به کار گرفته می‌شود نیز برای شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان فرصتی باقی نمی‌گذارد؛ چرا که با این شیوه‌ها، انگیزه به کار به مثابه جزء اصلی خلاقیت در دانش‌آموزان تضعیف و نابود می‌شود. یادگیری، مبتنی بر حافظه و انتقال اطلاعات است؛ در حالی که معلمان بر حافظه شناختی تأکید می‌کنند. محور برنامه درسی بر دانستن است و درک و تجزیه و تحلیل، جایگاهی ندارد. (Amabile, 2001, P.251-252)

این نتایج زنگ خطری است برای مسئولان آموزش و پرورش که میزان فاصله نظام آموزشی ما را با شیوه‌های خلاق می‌سنجند. معلمان به مثابه مهم‌ترین عامل در نظام آموزشی، نگرش صمیمی به خلاقیت ندارند؛ زیرا در نظامی آموزش دیده‌اند که تفکر، حل مسئله و خلاقیت در آن جایی نداشته است. در این نظام آموزشی، تفکر تنها در حل مسائلی است که پاسخهای معینی دارند. معلمان آموخته‌اند برای هر پرسش، یک پاسخ صحیح وجود دارد. بنابر این، کمتر به این مسئله توجه می‌کنند که برای بسیاری از مسائل بیش از یک پاسخ و آن هم یک پاسخ معین وجود دارد. بدیهی است که این معلمان از تفکر واگرا یا خلاق، شناخت صحیحی ندارند و برای تقویت آن دارای هیچ‌گونه مهارتی نیستند. در واقع؛ ضعف تولید علم و دانش از یک طرف و عدم تعلیم اندیشه‌های خلاق و بی‌توجهی به آن سبب شده که همیشه کمبود ماشین، ابزارهای تولیدی و صنعتی و ... را علت عقب‌ماندگی خود بدانیم. از سوی دیگر، نظام آموزش عالی ایران نیز در همین راستا دارای نقاط ضعف و مشکلاتی است که عبارتند از:

۱. نبود اختیارات، انعطاف و پویایی در نظام آموزش عالی و مؤسسات وابسته برای پاسخگویی

سریع به نیازهای در حال تحول جامعه و رشد شتابان دنیای علم و فناوری؛

۲. تداوم برنامه‌ها و شیوه‌های سنتی آموزش، تکیه بیش از حد بر دروس نظری و انباشت محفوظات، کم‌توجهی به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری دانشجویان و آماده نشدن آنها برای مواجهه با مسائل و نیازهای جامعه؛

۳. کمبود کادر هیئت علمی دانشگاه‌ها از نظر تعداد، ترکیب، مراتب علمی و روزآمدی؛

۴. پایین بودن تولید دانش سازمان‌یافته و جایگاه علمی دانشگاه‌ها در سطح جهانی، پایین بودن مرادوات و همکاری علمی با مؤسسات علمی بین‌المللی و فقدان ساز و کارهای مناسب برای بهره‌گیری از دستاوردهای نوین علمی و فناوری جهانی؛

۵. فقدان زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و فناوری‌های نوین در شیوه‌های آموزشی؛

۶. کمبود محقق کارآمد ناشی از ضعف نظام آموزش در پرورش روحیه پژوهشگری و خلاقیت

در دانش‌آموختگان (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸)

در واقع؛ چالش مهم دانشگاه‌های اسلامی ایران در این زمان، کسب و ارتقای هویت علمی و فرهنگی با توسعه استقلال سازمانی^۱ و آزادی علمی^۲ به منظور افزایش بهره‌وری و تحقق رسالت‌های دانشگاه، افزایش اثربخشی اجتماعی و پاسخگویی به دولت و جامعه و تحولات بازار کار و فناوری‌های جدید است؛ هر چند این رویکرد در تعارض با نظام اداری و تصمیم‌گیری متمرکز کشور است و به همین دلیل هم با مقاومت روبه‌رو شده و می‌شود. واقعیت این است که دانشگاه در دنیای امروز، نهادی است به لحاظ علمی و سازمانی، «آزاد و مستقل» و در عین حال به لحاظ اجتماعی، «مسئول و ملتزم» و به لحاظ اقتصادی، «مؤثر و با بیشترین ارزش افزوده». لذا دانشگاه امروز جزء جدایی‌ناپذیر روندهای توسعه‌ای است و توسعه پایدار و همه‌جانبه جز بر مدار دانشگاه و نظام آموزشی و پژوهشی پاسخگو و کارآمد نمی‌چرخد. بنابر این، سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر دولت و جامعه در آموزش، پژوهش و توسعه علم و فناوری، به تقویت توانمندی‌های دولت و نظام‌های اقتصادی و اجتماعی می‌انجامد. دانشگاه، جامعه کوچکی از نخبگان علمی جامعه بزرگ پیرامونی خود و در خدمت نیل به آرمانها و منافع ملی است.

بنابراین نقش دانشگاه اسلامی در نوآوری و خلاقیت، شامل قدرشناسی علمی و قانونمند از دانشمندان، متفکران و خدمتگزاران عرصه علم و فرهنگ و تقویت برنامه‌های علمی به منظور معرفی شخصیت‌های موفق دینی و علمی در سطح استادان و دانشجویان، جهت‌گیری تحقیقات برای رفع نیازهای صنعتی، فرهنگی، اجتماعی و اجرایی کشور، برنامه‌ریزی برای کاربردی کردن

1. Institutional Autonomy

2. Academic Freedom

نقش دانشگاه اسلامی در توسعه تفکر خلاق دانشجویان ♦ ۹۵

پایان‌نامه‌های دوره تحصیلات تکمیلی و انتشار نتایج آن‌ها و نیز پژوهش‌های بنیادی و کاربردی، ایجاد و گسترش مراکز علمی- پژوهشی و مراکز تحقیقاتی جدید متناسب با اولویت‌های توسعه علمی و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای و حمایت از آنها، استفاده از نخبگان دانشگاهی به منظور برنامه‌ریزی در زمینه بهره‌وری و استفاده از تولیدات علمی منطقه و جهان در رفع نیازها و پیشرفت کشور، تقویت روحیه اعتماد به نفس جوانان در حال تحصیل، آموزش خلاقیت و نوآوری و روش تحقیق و تقویت حضور جوانان در عرصه‌های تولید علم و حل مشکلات کشور، توسعه دامنه همکاری‌های علمی و فناوری بین دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و صنعتی کشور و استفاده از همکاری‌های دانشمندان و محققان ایرانی مقیم خارج در این راستا و... می‌باشد.

بنابر این، نوآوری و خلاقیت در دانشگاه از اهمیت والایی برخوردار است و یکی از اهداف مهم دانشگاه می‌باشد که دانشگاه اسلامی جهت تحقق آن، باید در زمینه اشاعه، نشر دانش و انتقال آن به جامعه و نسل جوان، بیش از پیش تلاش و کوشش کند. وظیفه دانشگاه اسلامی این است که در جهت پیاده‌سازی و تحقق سه کارکرد دانشگاه؛ یعنی «تربیت عمومی»، «توسعه میراث فرهنگی» و «حل مسائل جامعه»، گام‌های مؤثرتری بردارد و در این زمینه به نوآوری و خلاقیت پردازد تا موجب ترقی و پیشرفت جامعه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و... شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. آرمنند، محمد (۱۳۷۳)؛ «خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن در دانش‌آموزان»، رشد معلم، ش ۱-۲.
۲. پورسعید، سید مسعود (۱۳۸۰)؛ «بررسی رابطه خلاقیت و پیشرفت علمی اعضای جدید هیئت علمی دانشگاه‌های ایران»، رهیافت، ش ۲۶.
۳. تورنس، ئی.پی (۱۳۷۲)؛ استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آنها، ترجمه حسن قاسم‌زاده، تهران، دنیای نو.
۴. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۰)؛ «بررسی نگرش دبیران دبیرستان به خلاقیت»، رهیافت، ش ۲۶.
۵. دفتر جنبش نرم‌افزاری (۱۳۸۷)؛ «نوآوری در عرصه نظریه‌پردازی»، در: <http://www.danaee.com/index.php>
۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸)؛ سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۷. شریعتمداری، علی (بی‌تا)؛ رسالت دانشگاه و تعهد روشنفکر، اصفهان، قائم.
۸. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۴)؛ فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر.
۹. صمدآقایی، جلیل (۱۳۸۳)؛ خلاقیت جوهره کارآفرینی. تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. گلستان‌هاشمی، سیدمهدی (۱۳۸۰)؛ «فناوری خلاقیت»، رهیافت، ش ۲۶.
۱۱. منطقی، مرتضی (۱۳۸۰)؛ بررسی پدیده خلاقیت در کتابهای درسی، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
۱۲. مهر محمدی، محمود (۱۳۸۶)؛ نظریه‌های برنامه درسی، تهران، سمت.
13. Amabile, Tersa M (2001). **Creative Human Resource in the R&D Laboratory**, Human Resource- Mc Grow- Hill.
14. Arnold, M (1932). **Culture and Anarchy**, Oxford. University Press.
15. Guilford, J.P & P. Christensen (1996). “**The One Way Relation Creative Potential IQ**”, *Journal of Creative Behavior*, P.247-252.
16. Vernon, P.E (2002). **Nature of Creativity in Glover**. G.A and other, *Handbook of Creativity*, New York, P.93-103.
17. Zibakalalam, M.F (1993). **Liiberal Education, Its Classical and Development in Islamic and Modern Western Tradition**. P.h D Thesiss, Bradford University.